



# ترانه از ممنوعیت تا محبوبیت



علیرضا شریفی

ترانه پس از انقلاب سر نوشت خاصی پیدا کرد، در دوره ای فضای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشور، آن را همچون عنصری نامطلوب به میزان زیادی به حاشیه راند و سپس همین «عنصر نامطلوب» با کم شدن محدودیت ها همچون غول خفته ای از خواب بیدار شد. بنابراین اکنون صحبت از مهار این غول است و این که چگونه می توان از ویژگی های مثبت آن به نحو درست بهره برد.

در گزارش حاضر نخست پیشینه ترانه بررسی شده و سپس وضعیت ترانه و ترانه سرایی با دو تن از شاعران ترانه سرا و مسئول عبدالجبار کاکایی که البته چند روز پس از گفت و گوی ما به دبیری هشتمین دوره جشنواره شعر فجر منصوب شد و سعید بیابانکی مدیرمسئول دفتر ترانه و سرود حوزه هنری به بحث گذاشته شده است.

## ■ پیشینه ترانه

ترانه های فارسی را از نظروژن و شکل دستخوش دگرگونی کرد. آن چه از گذشته بر جای مانده است، قالب ها و فرم های کلاسیک شعر است که با موسیقی خوانده می شده است، اما از شعرهایی که تنها برای اجرای موسیقی و در قالب های غیر کلاسیک سروده می شده، چیزی به یادگار نمانده است. در این زمینه تنهایی توان به «فهلویات» اشاره کرد. فهلویات به شعرهایی گفته می شود که عمدتاً در قالب دوبیتی به گویش های بومی سروده می شد. کهن ترین فهلویات به جای مانده، دوبیتی های منسوب به باباطاهر است.

## ■ ترانه در عصر مشروطه

ترانه سرایی در عصر جدید با علی اکبر خان شیرازی متخلص به

پیشینه ترانه، اگر چه بسیار کهن است و بی گمان به پیش از سرودن شعر می رسد! اما خصلت شفاهی بودن آن، باعث شده که یافتن ردپای آن در تاریخ بادشواری های زیادی همراه باشد. با این حال چنان که زباز داشت، پیشینه ترانه سرایی در زبان فارسی به متن های ساسانی و «خسروانی های» که به بارید منسوب است، برمی گردد. بارید آشنا ترین خنیاگر در بار خسرو پرویز به شمار می رود که ترانه هایش را با ساز خود می نواخته و می خوانده است. ترانه و موسیقی پیش از اسلام جایگاه شناخته شده ای داشت: اما پس از اسلام چارچوب و قالب ترانه تحت تأثیر شعر عربی قرار گرفت و در واقع باید گفت قالب های مرسوم شعر عربی هم شعر و هم